

فیلم به ما می گوید،  
افغانستانی ها که  
خود به تنهایی  
نمی توانند  
خودشان را نجات  
بدهند، این ما  
امریکایی ها  
هستیم که باید  
بیاییم و آنان را  
در حد مترجم و  
نیروی خدماتی  
استخدام کنیم و  
از دست خودشان  
نجات شان بدهیم

April 20<sup>th</sup>

GUY RITCHIE'S

# THE COVENANT

العهد

می کنند. مامی دانیم و در رسانه ها هم بسیار دیده ایم که سربازان امریکایی از کشتار افغانستانی های غیرنظامی اعم از زنان و کودکان و سالمندان دریغ نکردند. پس فیلم می خواهد وجه خشونت آمیز استعمار را پنهان کند. در داستان فیلم با دو نوع بومی افغانستانی مواجه هستیم: افغانستانی خوب و افغانستانی بد. افغانستانی خوب کسی است که با امریکایی ها همکاری می کند، مثل احمد و مابقی مترجمانی که به استخدام نیروهای نظامی امریکا درآمد و هر کدام انگیزه ای برای خدمت رسانی به امریکا دارند. احمد می خواهد انتقام خانواده اش را از طالبان بگیرد، دیگری به پول نیاز دارد و آن یکی هم به خاطر ویزای اقامت حاضر شده است که به امریکایی ها کمک کند. افغانستانی بد هم کسی است که جلوی امریکایی ها می ایستد. منطق خوب و بد در همه قضاوت ها وجود دارد، اما هنگامی که می خواهیم قضاوت ارزشی را نسبت به یک ملت ادا کنیم، باید به درون جامعه برویم و ملاک را دآوری های خود بومیان بدانیم. بعید است که بومیان افغانستانی با چنین ملاکی هموطن هایشان را دسته بندی کنند. در اینجا نیز این استعمار است که خودی و غیر خودی را تعریف